

توپوگرافی مسجد جامع اصفهان به استناد کاوش‌های میدان عتیق

محسن جاوری

استادیار باستان‌شناسی دانشگاه کاشان

Mohsen.javeri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱۶

چکیده

شهر اصفهان در مرکز ایران با وجود اهمیت تاریخی آن و نقشی که در طول تاریخ برعهده داشته است، متأسفانه در زمینه تاریخ‌گذاری علمی با رویکرد باستان‌شناسی دچار مشکل اساسی بوده و از حیث انجام کاوش‌های باستان‌شناسی دچار ضعف است. بر همین اساس با فراهم شدن زمینه برای انجام کاوش در محدوده میدان عتیق - که در پی زلزله اجرای طرح احیای میدان عتیق پیش آمده بود - فرصت مناسبی برای نگارنده پدید آمد تا یک برنامه کاوش را درست در مرکز بافت تاریخی شهر به انجام برسانم. این کاوش که در مدت چهارماه در سال ۱۳۸۴ به انجام رسید، با هدف به دست آوردن اسناد و مدارک باستان‌شناختی در خصوص سابقه شهر اصفهان به‌خصوص با تمرکز بر روی چگونگی میدان در طول دوره اسلامی، با در نظر گرفتن اهمیت آن به عنوان یک نقطه مرکزی در شهر و مجاورت با مسجد جامع و بازار، هدایت شد. محل ترانسه‌های این کاوش با توجه به معضلات شهری اعم از ساخت و سازهای موجود و عوامل ترافیکی، در جاهایی که امکان اجرا وجود داشت، انتخاب شد. هرچند اطلاعات به‌دست‌آمده حاکی از حضور یک اضطراب هدفمند در آن محدوده بود ولی به عنوان یک نتیجه اساسی، وجود اختلاف سطح زیاد میان کف مسجد جامع و کف‌های مکشوفه در این کاوش، بیانگر این نکته بود که برپاکنندگان مسجد در زمان احداث آن با آگاهی کامل از وضعیت توپوگرافی محل، بلندترین نقطه نسبت به اطراف خود را برای احداث مسجد انتخاب کرده بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی

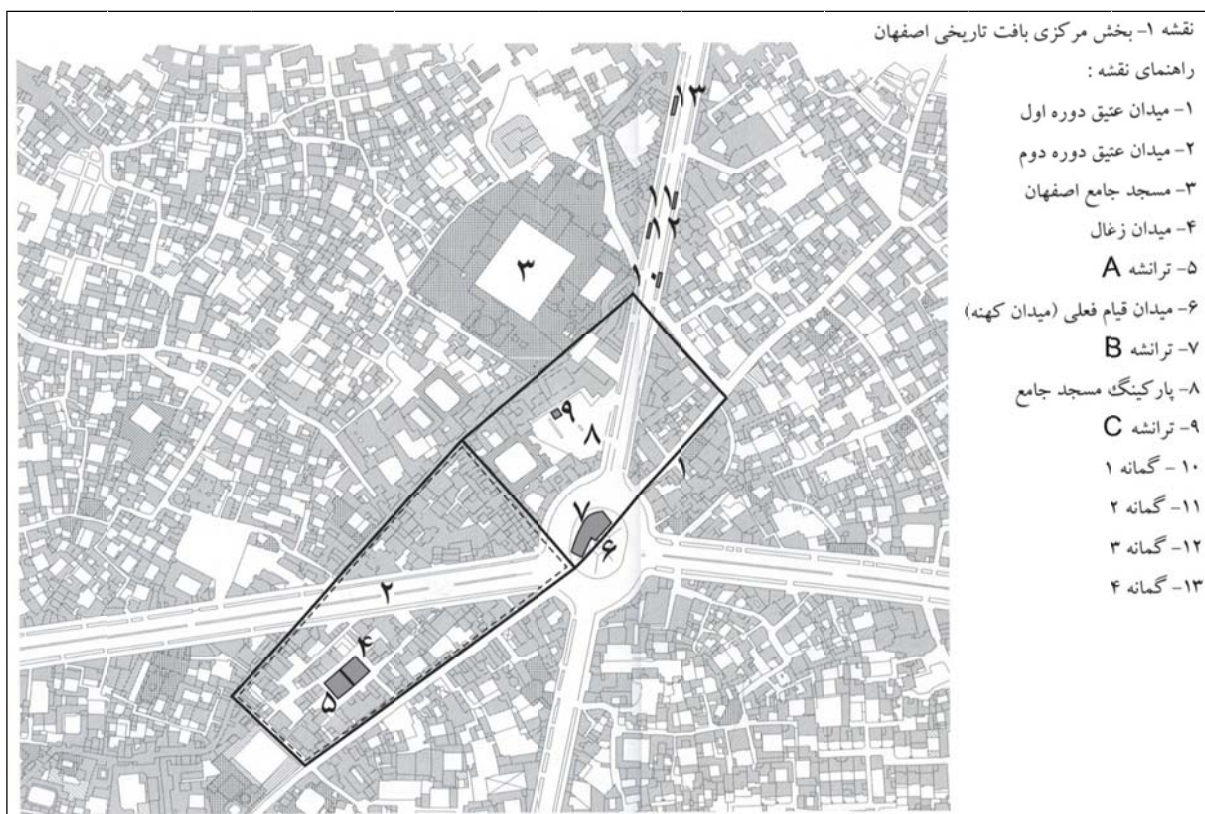
میدان عتیق، مسجد جامع، کاوش، بافت تاریخی.

سال ۸۴ (کریمیان و جاوری، ۱۳۸۶) و (جاوری، ۱۳۸۸) در محدوده مذکور به انجام رساند^۲ و در پایان به اطلاعات درخور توجهی دست یافت که فرازهایی از آن برای این مقاله انتخاب شده است.

منابع تاریخی (ابونعیم، ۱۳۷۷: ۱۲۹ و ۱۲۸)، (ابن رسته، ۱۳۷۰)، (بهار، ۱۳۱۸) از وجود دو محدوده اصلی جی و یهودیه و تعدادی روستای پیرامونی در اواخر دوران ساسانی در منطقه اصفهان گزارش می‌دهند. این منابع همچنین آورده اند که پس از فتح اصفهان توسط اعراب، در حدود سال ۲۰ هجری، جی به تدریج متروک شده و هسته اولیه شهر اصفهان در فاصله حدود ۱۰ کیلومتری شمال غربی آن با اجتماع ۱۵ قریه پراکنده در اطراف یهودیه شکل گرفته است. این قریه‌ها عبارت بودند از: باطرفان، یوان، خورجان، فلفلان، سنبلان، فراءان، گماءان، جوزدان، لنبان، اشکهان، جرواءان، خشینان، برواسکان، فابجان. شایان ذکر است که در توسعه تدریجی شهر اصفهان هر یک از قریه‌های مذکور به یکی از محلات آن تبدیل شده اند که اسامی برخی از آنها تا کنون حفظ شده است (گلمبک، ۱۳۷۷: ۸). با احداث مسجد جامع در اوایل قرن دوم هجری به عنوان یک محور مرکزی و تمرکز بر آن در شهر اولیه، فعالیت‌های عمرانی و شهرسازی اصفهان حول محور این مسجد به انجام رسید که نقطه اوج آن دوره سلجوقی است که به گسترش و تغییرات عمده در ساختار مسجد جامع منجر شد و تا پایان دوره مذکور ادامه یافت. بر همین اساس شبکه بازارها و معابر اصلی و محلات شهر و دروازه‌های شهر با این محوریت جهت توسعه یافته‌اند. یکی از نقاط قوت این دوره از شهرسازی اصفهان، ایجاد میدان وسیع عتیق در جانب جنوب غربی مسجد جامع بود که بدنه‌های غربی و جنوبی آن را بازار و دو بدنه شرقی و شمالی آن را دو معبر اصلی محلات اطراف مسجد جامع تشکیل می‌داده اند (نقشه ۱).

شهر اصفهان به عنوان یکی از شهرهای کهن ایران به لحاظ مطالعات باستان‌شناختی، به علت کمبود مستندات باستان‌شناسی دچار چالش اساسی در موضوع شناخت گذشته شهر است^۱ که می‌توان این مشکل را ناشی از عدم انجام کاوش‌های باستان‌شناسی فراگیر به منظور روشن کردن تاریخ این شهر دانست این در حالی است که معدود برنامه‌های کاوش باستان‌شناسی انجام شده در این شهر نیز به مطالعه و بررسی یک دوره خاص، محدود شده است. از این جمله می‌توان به کاوش‌های زیر اشاره کرد: کاوش باستان‌شناسی تپه جی (میرفتاح، ۱۳۵۵، ۱۹۳-۲۴۰)، کاوش هیئت ایتالیایی ایزمئو در مسجد جامع و مجموعه دولتخانه صفوی (Scerrato, 2001, XXXVII-XLII)، کاوش باستان‌شناسی تپه اشرف (عقیل عابدی، ۱۳۶۵، منتشر نشده و جعفری زند، ۱۳۸۸، منتشر نشده)، کاوش باستان‌شناسی محل اتصال چهارباغ به سی‌وسه پل (جاوری، ۱۳۸۰، منتشر نشده)، کاوش باستان‌شناسی رامپ شمالی پل خواجه (جاوری، ۱۳۸۴: ۳۵-۴۶) و کاوش باستان‌شناسی خیابان تاریخی چهارباغ (جاوری، ۱۳۸۳، منتشر نشده). این کاوش‌ها با تمرکز بر دوره‌ای خاص، بدون توجه به روشن کردن ارتباط این لایه‌های باستانی به هم معطوف بوده اند.

با توجه به شواهد باستان‌شناسی، سابقه سکونت در اصفهان به هزاره چهارم پیش از میلاد یعنی آغاز دوره شهرنشینی می‌رسد (جاوری، ۱۳۸۳: ۴۴-۳۴) و پس از این شاهد حضور دوره‌های متوالی تاریخی و اسلامی در این شهر هستیم (جعفری زند، ۱۳۸۱: ۷۴-۴۴). نگارنده به منظور دستیابی به داده‌های باستان‌شناسی در خصوص لایه‌های باستانی اصفهان از یک سو و نحوه شکل‌گیری میدان عتیق و بخش‌هایی از بافت پیرامون مسجد جامع به عنوان یکی از شاخص‌ترین آثار دوران اسلامی و تحولات مربوط به محوطه پیرامونی آن از سوی دیگر، برنامه کاوشی را در



نقشه ۱. بخش مرکزی بافت تاریخی اصفهان (مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی اصفهان)

استفاده می‌شد. از اوایل دوره پهلوی به تدریج با احداث واحدهای متعدد تجاری، این فضای باز عملاً در معرض ساخت‌وسازهای بی‌نظم و ضابطه قرار گرفت که به ایجاد یک نقطه متراکم تجاری نامتجانس با سیمای بسیار زشت منجر شد. تا قبل از خاکبرداری برای احیای میدان عتیق که از سال ۱۳۸۸ آغاز شد، از میدان بزرگ عتیق دوره سلجوقی به جز یک فضای کوچک ۱۷۲۰ متری موسوم به میدان زغال چیزی برجا نمانده بود (نقشه ۱).

کاوش‌های میدان عتیق

در کاوش‌های باستان‌شناسی محدوده میدان عتیق مجموعاً ۹ کارگاه حفاری شد که نتایج آن به شرح ذیل است:

۱. ترانسه‌های A1 و A2 (نقشه ۱) در ابعاد ۱۰×۱۰ متر در میدان زغال (تصویر ۱) انتخاب شد و حفاری

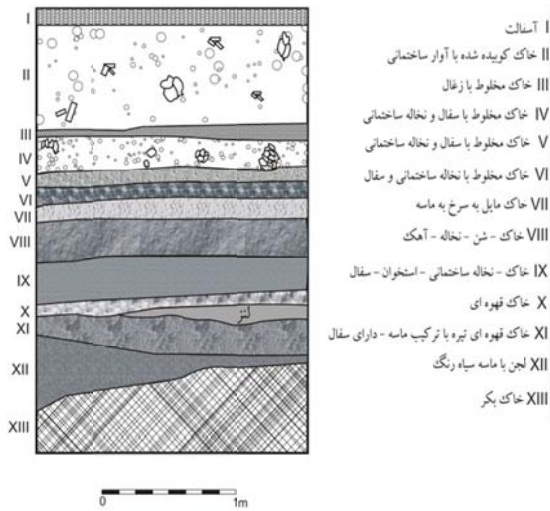
این میدان وسیع که در غرب مسجد جامع با مساحتی حدود ۵۷۵۰۰ مترمربع ایجاد شد به عنوان نقطه قوت دوره اول شهرسازی اصفهان نقشی محوری در شهر ایفا می‌کرد. به طوری که تمامی معابر اصلی و شبکه بازارهای اصفهان از آن آغاز می‌شد. این میدان نقشی اساسی در شکل‌دهی بافت پیرامون خود داشت.

چند قرن بعد در دوره صفوی با هدف کم‌رنگ کردن تأثیر میدان عتیق در مقابل میدان نقش جهان (دوره دوم شهرسازی اصفهان) که از این به بعد می‌بایست مرکز جدید شهر اصفهان را تشکیل می‌داد، با ایجاد یک بازارچه در ضلع شمال شرقی میدان عتیق که احداث بناهای دیگری از جمله مدرسه کاسه‌گران و کاروانسرای خیابان را در پی داشت، عملاً فضای میدان به ۱/۳ اندازه اولیه آن تقلیل یافت که از آن برای تخلیه زغال و خرید و فروش آن

در آن تا رسیدن به خاک بکر در عمق ۲/۳۰ متری ادامه داده شد.

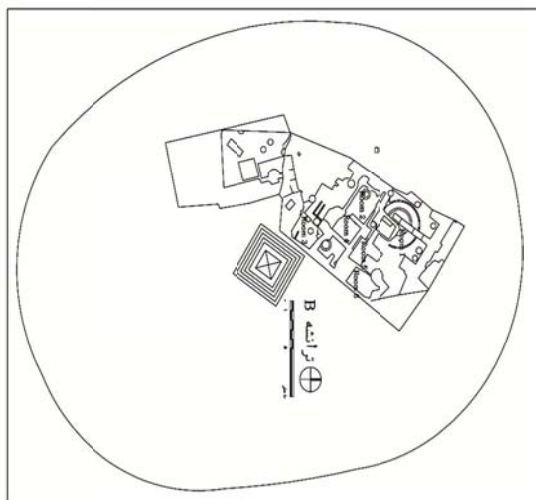


تصویر ۱. ترانشه‌های A1 و A2 در میدان زغال (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۲. لایه‌نگاری ترانشه A1 (مأخذ: نگارنده).

۲. ترانشه‌های B1 و B2 (نقشه ۱): حاصل حفاری در این ترانشه‌ها برخورد به یک واحد کارگاهی متعلق به دوره قاجار بود (نقشه ۲).



نقشه ۲. پلان حفاری ترانشه B (ترسیم: نگارنده).

با توجه به داده‌های به دست آمده، این کارگاه دارای دو دوره است:
الف) دوره اول که در آن فعالیت عصارای رواج داشته است (تصویر ۳)؛

نتایج اولیه به دست آمده از این کارگاه حفاری عبارت بود از:

الف) اولین لایه تشکیل شده در این ترانشه لایه X به قرون اولیه هجری تعلق دارد و پیش از دوره اسلامی، استقرار در این محل وجود نداشته است.
ب) با توجه به اینکه کف مسجد جامع با وجود ساخت و سازها و الحاقات در طی دوره‌های مختلف تغییر زیادی نکرده است، کف میدان عتیق در قرون اولیه اسلامی، ۴/۶۰ متر پایین‌تر از آن بوده است (تصویر ۲).

ج) از دوره صفوی به بعد طی چند مرحله با انباشت خاکریزی‌های متوالی برای حل معضل اختلاف سطح در این قسمت سعی کرده‌اند که حاصل آن شکل‌گیری لایه‌های متعدد و نسبتاً ضخیم خاک همراه نخاله‌های ساختمانی و قطعات سفال متعلق به دوره‌های مختلف اسلامی است که از محل‌های دیگری بدین منظور به اینجا حمل شده است.

شیره قند، خمره‌ها و تگارهای بزرگ، همه دال بر فعالیت یک کارگاه قندسازی است. به دست آمدن ۹ عدد سکه مسی قاجاری در این کارگاه انتساب این کارگاه به دوره قاجار را مسجّل کرد. چکیده اطلاعات به دست آمده از این ترانسه‌ها به شرح ذیل است:

(الف) این مجموعه در مرحله نخست یک کارگاه عصاره برداری بوده که طی یک تغییر حرفه در دوره بعدی به کارگاه قندسازی تبدیل شده است؛

(ب) فضاهای این کارگاه با آوار ناشی از تخریب عمومی و عمدی دیوارهای همین مجموعه پر شده است. بر روی لایه مذکور لایه‌ای به قطر ۱۲۰ سانتی‌متر خاک مملو از نخاله‌های ساختمانی و قطعات فراوان سفالی وجود دارد که مؤید همان اتفاقی است که در ترانسه A1 و A2 نیز شاهد آن بودیم. یعنی تلاش برای تسطیح میدان. با این تفاوت که این خاکریزی با توجه به قراین موجود در اواخر دوره قاجار رخ داده است.

ترانسه C (نقشه ۱): در عمق ۳/۳۰ متری این ترانسه به دو دیوار با مصالح آجر فزاقی و یک کف فرش آجری برخورد شد که با توجه به نوع آجرها قطعاً به اوایل دوره پهلوی تعلق داشتند. بر این اساس می‌توان گفت کف این قسمت از میدان ۳/۳۰ متر پایین‌تر از کف فعلی است که وضع موجود آن خود ۱۳۰ سانتی‌متر از کف مسجد جامع پایین‌تر است. به عبارت دیگر کف به دست آمده در حفاری، ۴/۶۰ متر پایین‌تر از کف مسجد جامع قرار دارد (تصویر ۵). در این نقطه نیز انباشت آوار از تلاش برای تراز و هموار کردن ناهمواری‌های موجود در این قسمت در دوره معاصر حکایت دارد که در راستای تلاش‌های دو دوره قبلی صورت پذیرفته است.

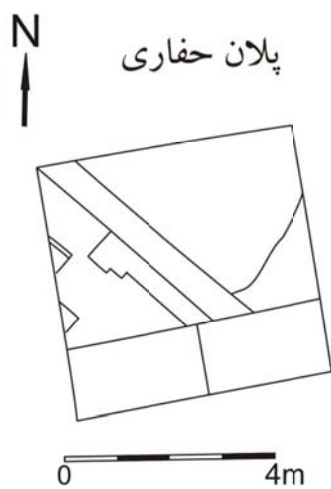
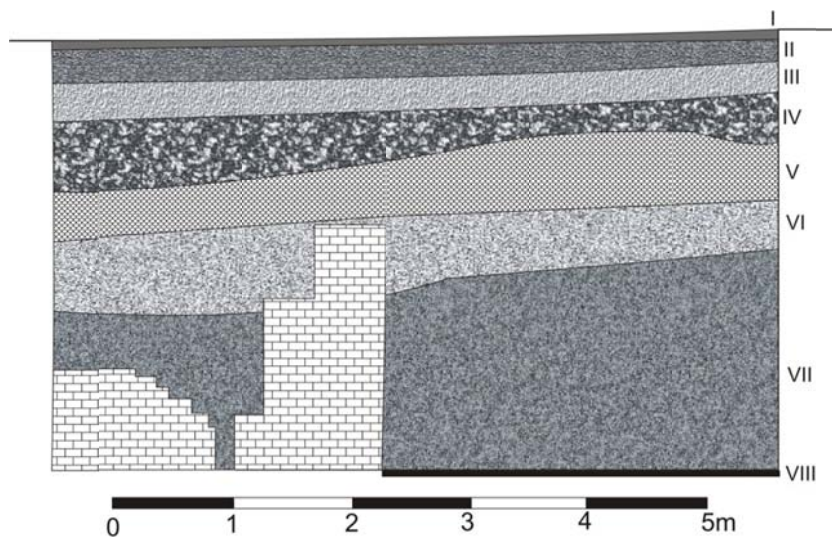


تصویر ۳. کارگاه عصاره و الحاقات دوره بعد (مأخذ: نگارنده).

(ب) دوره دوم که روی محل مدور گردش سنگ عصاره با کشیدن یک دیوار، فضای اولیه را به دو قسمت تقسیم کرده اند و داده‌های موجود شامل قالب‌های قند (تصویر ۴)، ظرف‌های مخصوص نگهداری



تصویر ۴- قالب‌های قند به دست آمده از ترانسه B (مأخذ: نگارنده).



- I آسفالت
- II خاک سرخ زیر آسفالت
- III خاک مخلوط با شن - کوبیده شده
- IV خاک مخلوط با آوار ساختمانی
- V آوار ساختمانی شامل آجر و خرده آجر
- VI خاک مخلوط با آوار ساختمانی و سفال
- VII خاک مخلوط با آوار ساختمانی و سفال
- VIII آجر فرش

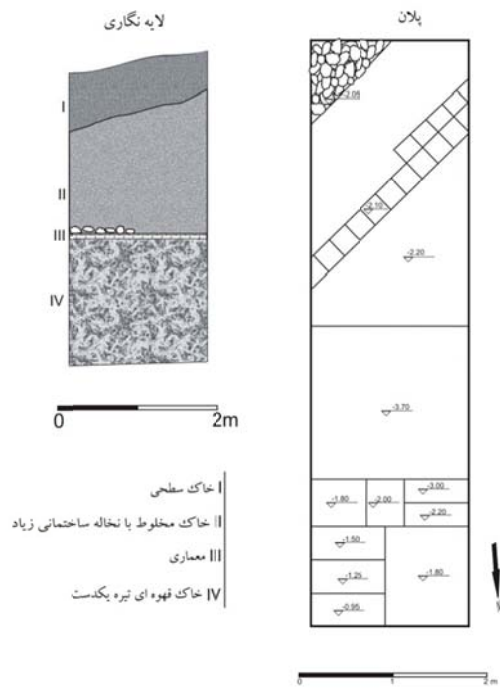
تصویر ۵. برش ترانشه C. (ترسیم: نگارنده)

گمانه‌های تکمیلی ۱ تا ۴ (نقشه ۱)

این گمانه‌ها که نزدیک‌ترین گمانه‌ها به مسجد جامع بودند از اهمیت خاصی برخوردار بودند، زیرا عمق کف در این ترانشه واقعیت عملی‌تری را در مقایسه با سایر ترانشه‌ها از نظر وضعیت توپوگرافی این محدوده از شهر و نیز موقعیت مسجد جامع در اختیار گذاشت. در این گمانه‌ها - که البته به علت موقعیت آن و محدودیت‌های تردد شهری در وضعیت حاضر انتخاب و کاوش شدند - به یک لایه دارای آثار معماری با جهت شمال شرقی - جنوب

غربی (در راستای قبله) در اعماق بین ۲ تا ۴/۵ متری برخورد شد (تصویر ۶).

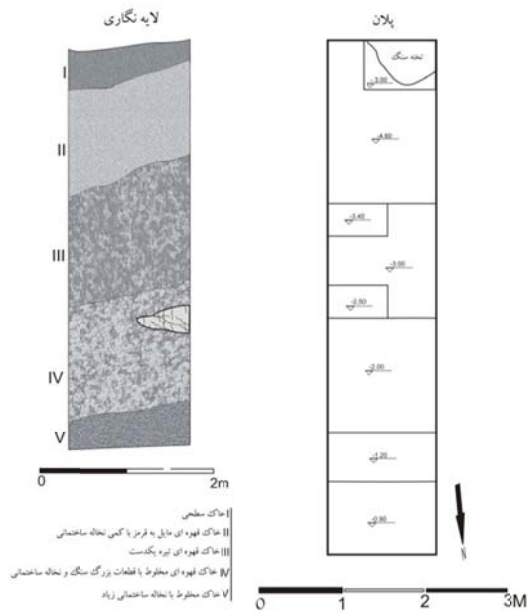
این داده‌ها با در نظر گرفتن اختلاف سطح منفی ۱۸۰ سانتی‌متری سطح کف فعلی خیابان علامه مجلسی با کف مسجد و نیز عمق داده‌ها مؤید این نکته بود که کف اولیه یا سطح استقرار در این قسمت‌ها همانند قسمت‌های دیگر میدان عتیق، به مراتب نسبت به کف مسجد جامع در سطح پایین‌تری قرار داشته است (تصاویر ۷ تا ۱۰).



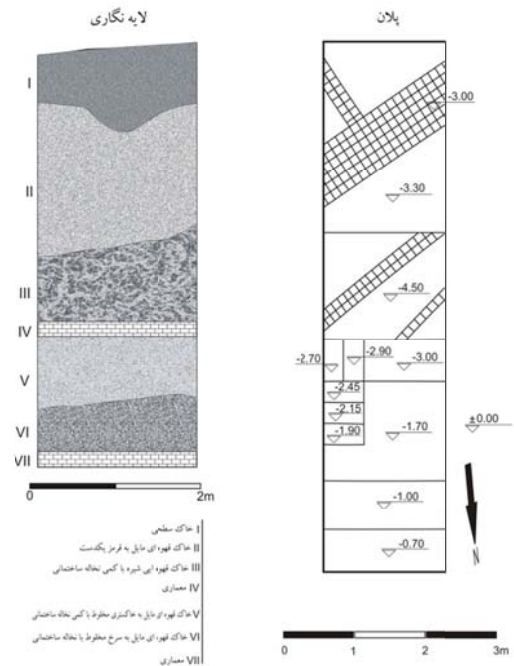
تصویر ۸. پلان و لایه‌نگاری گمانه ۲ (ترسیم: نگارنده).



تصویر ۶. خاک بکر در گمانه ۳ (مأخذ: نگارنده).



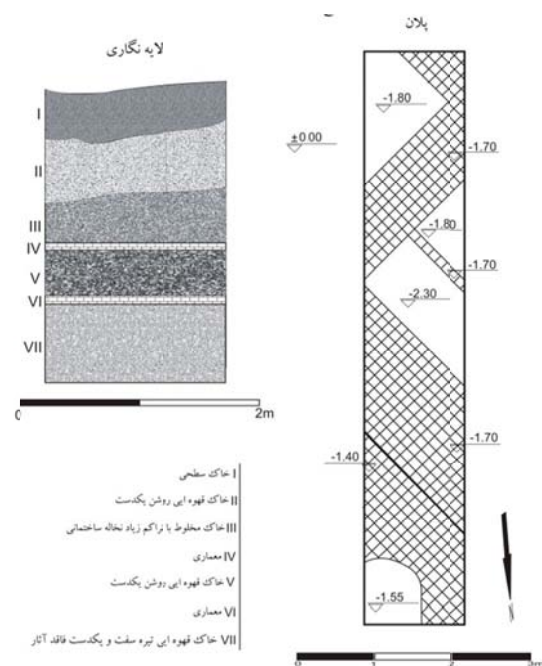
تصویر ۹. پلان و برش گمانه ۳ (ترسیم: نگارنده).



تصویر ۷. پلان و لایه‌نگاری گمانه ۱ (ترسیم: نگارنده).

تجربه حاصل از کاوش‌های خود و آشنایی با اطلاعات به‌دست‌آمده از مسجد جامع، محدوده غربی مجاور مسجد جامع را بدین منظور پیشنهاد می‌کند، اقدام کرد.

۲. محل میدان عتیق تا قبل از تبدیل آن به میدانی با نقش محوری در شهرسازی دوره سلجوقی، یک فضای باز بوده و به همین سبب هیچ اثر معماری در آن وجود نداشته است. البته بعد از ایجاد آثار معماری نیز با توجه به اینکه در این فصل از حفاری باستان‌شناسی هیچ گونه اثری در کف میدان به دست نیامد، می‌توان برای میدان علاوه بر محوریت و نقش شکل‌دهی و انتظام به سایر عناصر و اجزای شهری، نقشی اجتماعی و عمومی به عنوان محل تشکیل اجتماعات و بازارهای محلی روزانه قائل شد. این بازارهای روزانه که همچنان در روزهای خاصی از هفته (دوشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها) برقرار بود پس از خاکبرداری‌های اخیر میدان عتیق طی سال‌های ۱۳۸۸ تا کنون و بر هم خوردن کلی بافت پیرامون آن برچیده شد. شایان ذکر است که بخش عمده ارکان و عناصر شهری اصفهان در دوره سلجوقی شامل مسجد جامع، شبکه بازارها، مدرسه نظامیه، شبکه معابر اصلی، کاخ‌ها، و بخش حاکم‌نشین، در پیرامون این میدان شکل گرفته بودند و حتی محله‌ها و بافت مسکونی به طور متراکم آن را در بر می‌گرفته‌اند. این وضع در بخش‌های شمال غربی و غربی میدان که بافت آن کم‌تر دستخوش تغییر شده همچنان مشهود است؛ در حفاری در گمانه B واقع در منتهالیه شمال شرقی میدان، آثاری دال بر فعالیت‌های کارگاهی وجود دارد و در گمانه‌های تکمیلی ۱ تا ۴ در شمال میدان و امتداد ضلع شرقی مسجد جامع یک بافت مسکونی در راستای محور قبله وجود دارد که بر وجود این تراکم



تصویر ۱۰: پلان و برش گمانه ۴ (ترسیم: نگارنده).

نتیجه‌گیری

در اینجا با توجه به اطلاعات به دست آمده از حفاری، نتایج ذیل قابل ارائه است:

۱. اولین لایه باستانی میدان عتیق به قرون اول هجری تعلق دارد و آثاری از دوره پیش از اسلام در این قسمت وجود ندارد. شایان ذکر است که خاکبرداری‌های اخیر به منظور احیای میدان عتیق نیز داده‌هایی از دوره پیش از اسلام همراه نداشت. بر همین اساس و با توجه به اینکه اصفهان به لحاظ سکونت دارای سابقه‌ای دیرین است، باید در محل‌های دیگری از شهر داده‌های مربوط به پیش از اسلام را جستجو کرد. از سویی با در نظر گرفتن اینکه در طی حفاری‌های هیئت ایتالیایی ایزمئو در مسجد جامع آثاری متناسب به دوره ساسانی به دست آمده است^۳ جهت رسیدن به لایه‌های این دوره باید در مکان‌های دیگری که نگارنده با در نظر گرفتن

پانوشته‌ها :

۱. این کاوش علمی در طی خرداد و تیرماه ۱۳۸۴ به سرپرستی نگارنده به انجام رسید. اعضای همراه این هیئت عبارت بودند از: آقایان علمدار علیان (کارشناس باستان‌شناس میراث فرهنگی اصفهان)، سعید شهباز (دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی اهر)، و خانم عادلہ دینلی (دانشجوی باستان‌شناسی دانشگاه تهران) که در همین جا از تلاش‌های مجدانه آنان به خصوص آقای علیان که عهده‌دار طراحی رایانه‌ای سفال‌ها نیز بودند صمیمانه قدردانی می‌کنم.

۲. یکی از علل بی‌توجهی به فعالیت‌های باستان‌شناسی در شهر اصفهان و کل استان وجود تعداد قابل توجهی بناهای ارزشمند متعلق به دوره‌های مختلف اسلامی است که باعث تمرکز فعالیت‌های سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بر جنبه‌های گردشگری آنها شده و همین امر موجب غفلت از سایر زمینه‌های مرتبط با تاریخ و فرهنگ اصفهان شده است.

۳. شایان ذکر است که هر چند در کاوش‌های هیئت ایتالیایی ایزمئو در مسجد جامع یک ته‌ستون و چند ظرف سفالی به دست آمده است که آنها را به دوره ساسانی منتسب دانسته‌اند، اما این انتساب از قطعیت لازم برخوردار نیست، و بعد از گذشت سی سال از این حفاری هیچ اظهار نظر رسمی‌ای از سوی هیئت مذکور در این مورد هنوز منتشر نشده است. در هر حال از آنجایی که وجود آثار دوره پیش از اسلام در مکان مذکور اهمیت بسیار دارد، نگارنده در زمان حضور هیئت ایتالیایی در مسجد جامع اصفهان در آذر ۱۳۸۵ (این هیئت از سال ۱۳۷۷ به‌طور مستمر برای تکمیل مطالعات خود سالانه یک یا دو فصل در مسجد کار خود را ادامه می‌دهند) با رییس فعلی هیئت آقای پروفیسور برونو جینتو مذاکره کرد و ایشان اظهار داشتند قبل از ساخت مسجد در این نقطه، احتمالاً آثاری متعلق به دوره پیش از اسلام موجود بوده است ولی انتساب قطعی این آثار به دوره ساسانی به مستندات بیش‌تری نیاز دارد که امید است در پایان کار مطالعاتی هیئت بتوان در این مورد با یقین اظهار نظر کرد.

۴. این مدرسه در سال ۵۱۵ هجری در پی یک اقدام سوء سیاسی به منزله مبارزه با یک مرکز ترویج فقه شافعی و مظهر تفکر اسماعیلی‌ستیزی سلجوقیان به دست اسماعیلیان به آتش کشیده شد و سپس آتش به مسجد جامع سرایت کرد و بخش‌هایی از آن نیز طعمه حریق شد و به طور کامل سوخت و از میان رفت. البته این آتش‌سوزی خود بهانه تغییراتی اساسی در مسجد جامع شد و

صحه می‌گذارد. از طرف دیگر حتی پس از تغییراتی که در دوره صفوی در میدان اتفاق افتاد و به ایجاد یک بازارچه و محدود کردن میدان با هدف کم‌رنگ کردن نقش آن در برابر میدان نقش جهان منجر شد، از آن همچنان به عنوان یک فضای باز استفاده می‌شده است. فقط در دوره معاصر (پهلوی اول تا سال‌های اخیر) بود که بدون برنامه و بدون نظارت دوایر دولتی، در قسمت‌هایی از آن ساخت‌وسازهای غیر قانونی و بدون نقشه شهری انجام گرفت و شکل‌گیری بافتی نامتجانس را در پی آورد که خود یکی از معضلات مهم برای دستگاه‌های دولتی اصفهان هم از لحاظ ناهمگونی با بافت تاریخی و هم از وجه اجتماعی است.

۳. با توجه به اینکه کف‌های پیدا شده در این کاوش ۴/۵ تا ۷ متر با کف مسجد جامع اختلاف سطح دارند و با در نظر گرفتن این نکته که کف مسجد جامع در طول تاریخ جز در توسعه و اصلاحات دوره سلجوقی و سپس صفوی تغییر قابل توجهی نکرده است، این نکته را نشان می‌دهد که مسجد جامع در زمان احداث بر روی یک برجستگی یا به عبارت دیگر یک تپه باستانی برپا شده بوده است که بر پیرامون خود اشراف داشته است. به بیان دیگر سازندگان این مسجد، رفیع‌ترین نقطه در این قسمت از شهر را برای ساخت آن انتخاب کرده بوده‌اند و این رویکردی در خور توجه است که در سایر مساجد جامع ایران دیده نمی‌شود. همین امر باعث شده تا مسجد جامع علاوه بر واقع شدن در مرکز بافت، از لحاظ بصری نیز بر محیط پیرامون خود اشراف داشته باشد.

تبدیل آن به یک مسجد چهار ایوانی را به دنبال آورد. اما مدرسه پس از این واقعه هرگز بازسازی نشد.

منابع:

- ابونعیم، احمد بن عبدالله بن اسحاق، ۱۳۷۷، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه نورالله کسابی، چاپ اول، سروش.
- ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۳۷۰، الاطلاق النفیسه، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، چاپ اول، بی‌نا، تهران.
- مافروخی، مفضل بن سعد، ۱۳۸۲، ترجمه محاسن اصفهان، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، ضمیمه مجله یادگار.
- مجمل‌التواریخ و القصص، ۱۳۱۸، به تصحیح ملک‌الشعرا بهار، به کوشش محمد رضانی، خاور، تهران.
- جاوری، محسن، ۱۳۸۳، «معرفی محوطه باستانی گورتان»، نامه پژوهشگاه، ش ۶، صص ۳۴-۴۴.
- جاوری، محسن، ۱۳۸۰، کاوش باستان‌شناسی محل اتصال چهارباغ به سی‌وسه پل، آرشیو میراث فرهنگی استان اصفهان.
- جاوری، محسن، ۱۳۸۳، گزارش کاوش باستان‌شناسی خیابان چهارباغ، آرشیو میراث فرهنگی استان اصفهان.
- جاوری، محسن، ۱۳۸۴، «پل خواجه از نگاهی دیگر»، گلستان هنر، ش ۱، صص ۴۶-۳۵.
- جاوری، محسن، «کاوش‌های باستان‌شناسی میدان عتیق»، گلستان هنر.

- جعفری زند، علیرضا، ۱۳۸۱، اصفهان پیش از اسلام، تهران، نشر آن، صص ۴۵-۷۴.

- کریمیان، حسن و جاوری، محسن، ۱۳۸۷، «گاهنگاری یافت کهن شهر تاریخی اصفهان به استناد کاوش محدوده میدان عتیق»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

- گلمبیک، لیزا، ۱۳۷۷، «الگسوی شهری اصفهان پیش از صفویه» ترجمه محمد نفیسی، معماری و شهرسازی، ش ۴۲ و ۴۳، دوره هفتم، خرداد، صص ۸-۱۸.

- Gabriel, A. (1935) *Le Masjid-i Djum'a d'Isfahān, Ars Islamica*, II, pp. 7-44
- Galdieri, E. (1972 - 1978) *IsMEO Activities: Restoration Mission in Iran. Isfahan, Masğid-i Ğum'a, East and West*, 22, pp. 385-389; 23, pp. 423-425; 24, pp. 479-481; 25, pp. 549-550; 26, pp. 604-605; 27, pp. 465; 28, pp. 334-336
- Galdieri, E. (1972) *Isfahan: Masğid-i Ğum'a - 1 Documentazione fotografica e rapporto preliminare*, IsMEO - Roma
- Galdieri, E. (1973) *Isfahan: Masğid-i Ğum'a - 2 Il periodo al-i Būyde*, IsMEO - Roma
- Galdieri, E. (1984) *Isfahan: Masğid-i Ğum'a - 3 Research and Restoration Activities, 1973-1978* with an introduction by Prof. Oleg Grabar, IsMEO - Roma
- Scerrato, U. (2001) *Ricerche archeologiche nella Moschea del Venerdì di Isfahan della Missione Archeologica Italiana in Iran dell'IsMEO (1972-1978), Antica Persia - I tesori del Museo Nazionale di Tehran e la ricerca italiana in Iran (Museo Nazionale d'Arte Orientale - Roma, 29 maggio - 22 luglio 2001)*, pp. XXXVII-XLIII, Roma